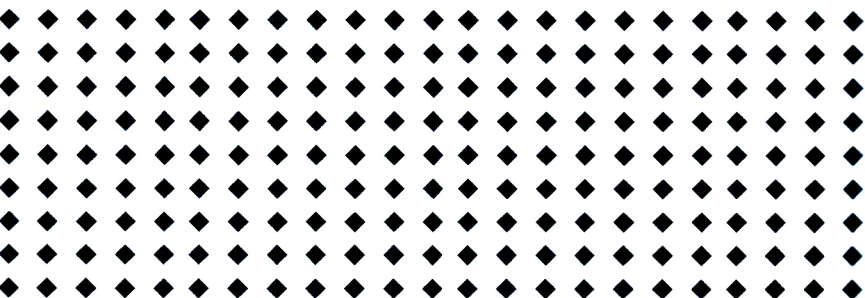


ظلم، جهل و برزخیان زمین

نجوا و فریادها در برخورد فرهنگ‌ها



محمد قائد

فهرست

۷	در ادامه پس از دو دهه
۱۱	یادداشت ۸۷
۱۵	گفتگوی فرهنگها: طرح بحث
	۱
۴۹	سودائیان عالم پندار
	۲
۸۱	خشونت و جنگ به عنوان ابزار گفتگوی فرهنگها
	۳
	برخورد فرهنگهای شفاهی و مکتوب در آثار پرفسور،
۱۴۱	شیخ و شهید
	۴
۲۰۹	سقوط از متعالی به مبتذل در رویارویی فرهنگها
	۵
۲۲۹	اصلاحات دینی به عنوان مبحثی درون فرهنگی
	۶
	خرده فرهنگها و تولید اسطوره:
۳۰۱	سه روزی که ایران را همچنان تکان می دهد
	۷
۳۶۹	فرود و اختتام
۳۷۹	کتابنامه
۳۸۷	نمایه

گفتگوی فرهنگها:

طرح بحث



چندین سال در ایران از گفتگوی تمدنها بسیار سخن رفت. کسانی هوادار این نظر بودند که اگر تمدنها وارد مناظره بایکدیگر شوند پاره‌ای گرفتاریهای جامعه بشری می‌تواند کاهش یابد. برخی که مقدمات چنین گفتگویی را مهیا می‌دانستند تا آن حد پیش رفتند که به دستور بحث فکر کنند. گویی توافقی کلی بر سر لزوم مباحثه فرهنگی به‌عنوان درمان دردها وجود دارد، تمدنهای شرکت‌کننده در بحث مفروض و سخنگویان آنها مشخص شده‌اند، صندلیهایی چیده شده و همه منتظر ورود سخنرانان جلسه‌اند تا بحث آغاز شود.

در مقابل، کسانی اصل قضیه علم‌کردن به اصطلاح گفتگوی تمدنها را با تردید تلقی می‌کردند و آن را ترفندی برای طفره‌رفتن از مسائل اصلی می‌دیدند. اینان می‌گفتند رقابتهای درون ملتها و خصومت‌های بین ملتها نه نتیجه سوءتفاهم یا عدم تفاهم در حیطه فرهنگ، بلکه برآیند ستیزی دیرین میان مردمان و بین ملتها برای نیل به سروری از راه دستیابی به بیشترین مقدار منابع است.

در هر حال، واقعیت این است که گفتگوی فرهنگها نه تازه آغاز شده و نه به رکود گراییده، بلکه همواره ادامه داشته است: گاه به نجوا، در



کتابها و در دادوستد تجاری و علمی میان ملتها؛ و گاه با فریاد، در میدان جنگ. در واقع، با مشاهده فشاری که ملتها در عرصه‌های گوناگون بر یکدیگر وارد می‌آورند می‌توان نتیجه گرفت که بد نبود اگر ملتها، تمدنها و فرهنگها می‌توانستند اندکی از فشار متقابل و تحمیل تنش دست بردارند و دست‌کم مدتی کاری به کار یکدیگر نداشته باشند.

تمدن را مجموعه ساختار مادی زندگی به اضافه فرهنگ آن تمدن تعریف کرده‌اند. مفهوم فرهنگ به همان اندازه که دربرگیرنده هنر و ادبیات و صنایع مستظرفه است عادات و رفتار و کردار روزمره و طرز فکر مردم یک جامعه را نیز شامل می‌شود. در بحث بایگانی‌شده گفتگوی تمدنها، استفاده از واژه تمدن به جای فرهنگ سبب بدآموزی و سوءتفاهم شد. تمدن شامل کشاورزی و صنعت و معماری و اقتصاد و مقولات دیگر هم هست. در ایران، کشوری که در آن بلندپروازی‌ها ارتباط چندانی به واقعیتها ندارد، گمان کردند بحث فرهنگها برای مصلحان بزرگی مانند ما کم است و حالا که طرحی نو در جهان درمی‌افکنیم، چه بهتر که یک‌راست به سراغ تمدنها برویم و زعامت گفتگوی آنها را نیز خود بر عهده بگیریم. اما وقتی مسافری بیگانه پا در خاک ایران می‌نهد، به احتمال زیاد نخستین برداشتش این خواهد بود که این جامعه، همانند آدمی که رنگ رخسارش خبر از کم‌خونی می‌دهد، مشخصاً دچار کمبود است، از این نظر که برای کار با ابزار تمدن جدید، از فرهنگ لازمه آن به مقدار کافی برخوردار نیست.

ملتها بیش از آن درگیر تنازع بوده‌اند که بتوان از کمبود گفتگو شکایت کرد. گفتگوی فرهنگها چنان عادی است که اغلب به نجوا و پیچ می‌ماند. فقط وقتی يك یا چند فرهنگ به دلیلی در پهنه گیتی نعره می‌کشند مردمان دیگر حدس می‌زنند که احتمالاً کار به جاهای باریک



کشیده است. به بیان دیگر، کافی نیست که تمدنها و فرهنگها بیاموزند گفتگو کنند، چون این کار را به اندازه کافی بلدند؛ بلکه باید بیاموزند که از بلندکردن صدایشان و تبدیل نجوا به نعره خودداری ورزند. این توصیه به گفتن آسان‌تر می‌نماید تا به عمل، زیرا همواره ملتها و فرهنگهایی مدعی‌اند که مظلوم واقع شده‌اند و حق دارند صدای خود را به گوش جهانیان برسانند. و همواره تمدنهایی وجود دارند که نعره می‌کشند و بعدها روشن می‌شود آن سر و صداها در واقع آخرین تلاششان برای زنده ماندن و در حکم غزل خداحافظی بوده است. همه مردگان جهان را با سکوت و نزاکت ترك نکرده‌اند.

در کنار اینها، فرهنگها و تمدنها برای گفتگوی مؤثر در میان خود، باید از عهده گفتگو در درون خود نیز برآیند. از نکاتی که در چند سال گذشته در مباحثات سیاسی-اجتماعی در ایران بر آن انگشت گذاشته‌اند یکی این بوده که پیش از تشکیل جلسه‌ای جهانی برای گفتگوی اروپایی با آفریقایی و با آسیایی و با آمریکایی، و مسلمان با یهودی و با کاتولیک و سیک و بت‌پرست و ملحد و غیره، ملتی با يك زبان و يك پیشینه و يك سرزمین تا چه حد قادر است در چهاردیواری خویش به گفتگویی نتیجه‌دار بپردازد. اگر هست، هر تمرینی را باید از این‌جا و اکنون شروع کرد. تا تعیین چهارچوب و توافق بر سر اصول بحث، میانجیگری در مناقشات بین‌المللی و بازی کردن نقش دیلماج در کشمکش ملتها دیگر را می‌توان برای فرصتی دیگر گذاشت.

برخورد فرهنگها گاه سبب شوک یا ضربه فرهنگی می‌شود: حیرتی عمیق در برابر غرایب باورنکردنی زندگی آدمهایی عجیب در جاهایی دور دست. زمانی غریبان از اینکه مردان مشرق‌زمین می‌توانند چندین — گاه چند دهه — زن را به‌عنوان همسر خویش زیر یک سقف نگه دارند شگفت‌زده